



برای آشنایی بیشتر با کتال شهرآرامحله منطقه ۱۱ و ۱۲ کتال را اسکن کنید



این زیارت رامینا و ملیکا خیری، سال گذشته از امام رضا^(ع) خواسته بودند. حالا مینا می‌گوید: پارسال روز شهادت امام رضا^(ع) از بولوار توس تا حرم پیاده رفتیم و از خود آقا خواستیم پیاده روی اربعین را نصیبمان کند. خدا را شکر لحظه آخر پاسپورتمان آماده شد و در طول سفر نیت کردیم قدم‌هایمان را در این سفر به نیابت ظهور آقا امام زمان^(عج) برداریم.



کوچک‌ترین عضو این کاروان سید عطیه جباری است که تازه یازده ساله شده. او هم مثل همه این دختران، بدون خانواده‌اش در این مسیر قدم گذاشته است و می‌گوید: در طول سفر با همه زیبایی‌هایی که دیدم، یک چیز همیشه جلو چشمم بود. برگه‌هایی که مادرم روی آن‌ها نوشته بود صلوات برای تعجیل در فرج آقا^(عج) و دعا برای نابودی رژیم صهیونیستی؛ این برگه‌ها در همه جای کوله‌ام بود.



روایتی از حضور دختران نوجوان توس در سفر اربعین

قدم‌هایمان نذر ظهور آقا^(عج)

فاطمه شوشتری ده روز قبل با بدرقه دوست و آشنا و هم‌محلای‌ها عازم کربلا شدند. آن روز با اسپند و مداحی بدرقه شدند و امروز با اسپند و چاووشی مورد استقبال دوست و آشنا قرار گرفته‌اند. آقا سید بانوای گرم خود، استقبال از دختران نوجوان توس را متفاوت کرده است: مسافرانی که با چشمانی پر از اشک از زیر پرچم سرخ و قرآن گذشتند و سوار اتوبوس شدند و پس از زیارت سالار شهیدان، آن‌ها هم با پای پیاده، با تبرکی مهر و تسبیح برای هم‌محلای‌ها به توس برگشتند. این قدم پر خیر و برکت از سوی مسجد امام حسن عسکری^(ع) در بولوار توس برداشته شد و در قالب طرح «پیاده تاحرم» همه چیز را برای یک تجربه جمعی و زیارت دل‌نشین آماده کرد.



سیده مریم لحظه آخر را می‌شد. اصلاً اسمش در لیست نبود. او می‌گوید: نمی‌دانم چطور این سفر قسمتم شد؛ اصلاً انتظارش را نداشتم. شام غریبان امسال، برای زیارت کربلا نذر کردم و آن را ادا کردم تا زودتر امام حسین^(ع) من را بطلبد. تا لحظه آخر میسر نشد و با ناامیدی به خانه برگشتم. بلافاصله زنگ زدند و گفتند برای یک نفر جا خالی شده و اسم من وارد فهرست شده است. در طول این سفر احساس می‌کردم امام حسین^(ع) من را می‌بیند و خودش مراد عوت کرده است.



عکس: نازجس شاگری/شهرآرا

زهرا حسین پور چهاربار کربلا را زیارت کرده است و هر بار خواسته که پیاده روی اربعین روزی‌اش شود. به قول خودش امسال امام حسین^(ع) او و همسرش، هادی حسین پور، را انگار طور دیگری دعوت کرده بود. او می‌گوید: برای سرپرستی کاروان دختران نوجوان کسی را می‌خواستند که از مسجدی‌های همین جا باشد و من را انتخاب کردند. مسئولیت سنگین و سختی بود، اما امام حسین^(ع) ما را یاری کرد.